



## معرفی کتاب «الموضوعات»

• مهدیه دمقانی \*

**چکیده:** ابن جوزی نویسنده‌ی پرکار اهل سنت متعلق به سده‌ی ششم هـ. ق. صاحب تالیفات متعدد و متنوع است. کتاب الموضوعات او، یکی از مهم‌ترین کتب در مقوله‌ی شناخت اصول و مبانی پدیده‌ی وضع و طرق یافتن آن در احادیث به شمار می‌رود که شیوه‌ی کار و رویکردهای نقادانه‌ی وی در این کتاب، شایسته‌ی تأمل و درنگ است. این کتاب، از سوی علمای پس از وی مورد توجه واقع شده و مبنای نگارش چندین کتاب مهم در باب احادیث موضوعه گشته است. این مقاله به معرفی وی و کتاب الموضوعات می‌پردازد.

---

\* دانشجوی دوره‌ی کارشناسی دانشکده‌ی علوم حدیث (ورودی ۷۹).

## مؤلف کتاب الموضوعات

### نام، لقب و نسب

نویسنده‌ی کتاب الموضوعات ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن است که درباره‌ی نسبت وی اختلافاتی وجود دارد. نوه‌ی او در مرآة الزمان درباره‌ی نسبت وی می‌گوید: «هو عبدالرحمن بن علی بن عبدالله بن حماد بن محمد بن جعفر الجوزی بن عبدالله بن القاسم بن النصر بن القاسم بن عبدالله بن عبدالرحمن بن القاسم بن محمد بن ابی بکر الصدیق (رضی الله عنه).»<sup>۱</sup>

به هر صورت در انساب، نسبت وی را به ابوبکر رسانیده‌اند<sup>۲</sup> و بر اساس سخن مرآة الزمان ابوبکر جد پانزدهم اوست.

شهرت وی ابن جوزی است. در علت مشهور شدن وی به این شهرت، اقوال متفاوتی است. برخی آن را به سبب نسبت پدر بزرگ او به «فرضة الجوزة» (بارانداز گردو) در بصره<sup>۳</sup> یا محلة الجوزة در غرب بغداد می‌دانند<sup>۴</sup> و برخی دیگر برآنند که جد خانواده، بدان جهت که درون خانه‌ی او در واسط درخت گردویی بود و در تمام واسط جز آن، درخت

۲- الموضوعات، ج ۱، ص ۹

۳- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۲

۴- همان و الموضوعات، ج ۱، ص ۹

۵- دائرة المعارف، ج ۱، ص ۹، و الاعلام قاموس التراجم، خیرالدین زرکلی، بیروت، دار العلم

للملایین، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۱۶

گردویی نبود، به این نسبت شناخته شده<sup>۵</sup> و یا گفته‌اند این نسبت با خرید و فروش گردو توسط خود او در بغداد مرتبط است.<sup>۶</sup>

برخی کسانی که از وی روایت کرده‌اند، به او لقب الصفار داده‌اند؛ گویا این لقب به سبب اشتغال خانوادگی او به تجارت مس بوده است.<sup>۷</sup>

همچنین او را با القابی چون شیخ العراق، امام الآفاق، شیخ الوقت، عالم العراق، الإمام الاوحد،<sup>۸</sup> واعظ الآفاق<sup>۹</sup> و مفخر العراق<sup>۱۰</sup> خوانده‌اند. عده‌ای این القاب را ناشی از مبالغه در شخصیت علمی و مذهبی ابن جوزی دانسته‌اند.<sup>۱۱</sup> اما به نظر می‌رسد که این القاب گویای جایگاه اجتماعی - که از پر رونقی مجالس وعظ او پیداست<sup>۱۲</sup> - باشد.

### تولد و وفات

عبدالرحمن در محله‌ی درب حبیب<sup>۱۳</sup> در بغداد<sup>۱۴</sup> متولد شد. تاریخ تولد

- 
- ۶- الموضوعات، ج ۱، ص ۹ و تذكرة الحفاظ، ابو عبدالله شمس الدین، ذهبی، بی‌جا، مکتبه الملكی، ج ۳، ص ۱۳۴۲
  - ۷- الموضوعات، ج ۱، ص ۹
  - ۸- دائرة المعارف، ج ۳، و سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۸ و تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲
  - ۹- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۲
  - ۱۰- همان و تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲
  - ۱۱- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۹
  - ۱۲- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۲
  - ۱۳- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۷۰ و تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۵
  - ۱۴- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۰ و دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۲
  - ۱۵- الاعلام، ج ۳، ص ۲۱۶

او مشخص نیست. اغلب، تولد وی را بین سالهای ۵۱۱-۵۹۷<sup>۱۵</sup> می‌دانند. نوهی ابن جوزی در مرآة در مورد حوادث سال ۵۱۰ می‌گوید: «پدر بزرگم در این سال متولد شد. البته سخن من بر وجه استنباط است نه تحقیق.»<sup>۱۶</sup>

خود ابن جوزی در مورد ولادتش می‌گوید: «لا احقق مولدی غیر انه مات والدی فی سنة عشره و قالت الوالدة: کان لک من العمر نحو ثلاث سنین»<sup>۱۷</sup> و یا می‌گوید: «سنة ولادتی لیست معلومة بشكل دقیقة و الذی اعرفه هو اننی کنت فی حوالی الثالثة حیث توفی والدی فی ۵۱۴ هـ»<sup>۱۸</sup> بر این اساس، تولد وی در سال ۵۱۲ یا ۵۱۱ بوده است.<sup>۱۹</sup>

در مورد وفاتش باید گفت که در شب جمعه بین نماز مغرب و عشا در ۱۲ رمضان سال ۵۹۷ در می‌گذرد و جنازه‌ی او بر دستان انبوهی از مردم تشییع می‌شود و در مقبره‌ای در باب حرب در سمت غربی بغداد در کنار پدرش نزدیک امام احمد به خاک سپرده می‌شود.<sup>۲۰</sup>

### کودکی و آشنایی با حدیث

همان طور که گفته شد او در ۳ سالگی پدر خود را از دست می‌دهد و

۱۶- طبقات المفسرین للسيوطی، ابن سعد، بیروت، دار صادر، بی تا، ص ۵۰ و دائرة المعارف،

ج ۳، ص ۲۶۲ و اعلام، ج ۳، ص ۲۱۶

۱۷- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۰

۱۸- همان.

۱۹- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۲

۲۰- همان.

۲۱- تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۸ و الموضوعات، ج ۱، ص ۴۷

یتیم پرورش می‌یابد.<sup>۲۱</sup> ظاهر امر این است که از توجه مادر هم بهره‌ای نمی‌برد.

او حال خود را در کودکی این چنین توصیف می‌کند: «إن أبی مات و أنا لا أعقل و الأم لا تلتفت أبی»<sup>۲۲</sup>

ابن جوزی در کودکی با کودکان نمی‌آمیخت و با آنها بازی نمی‌کرد.<sup>۲۳</sup> به هر شکل، کودکی او در رفاه، صلاح و عفاف با سرپرستی مادر و عمه‌اش سپری شده<sup>۲۴</sup> و از ترکه‌ی پدر سود می‌جوید، خود در این باره می‌گوید: «و اعلم یا بنی إن أبی کان موسراً و خلف ألوفاً من المال»<sup>۲۵</sup>

ابن جوزی، آموختن حدیث را از کودکی آغاز کرد و نخستین سماع او در سن شانزده سالگی بود. وی در المنتظم می‌نگارد: «ابوالفضل (دایی ابن جوزی) عهده‌دار آموختن حدیث به من شد و من مسند احمد بن حنبل و کتابهای مهم و اصلی را به قرائت او نزد شیخ شنیدم و به خاطر سپردم»<sup>۲۶</sup> و نیز در المشیخه آورده: «شیوخ ما ابن ناصر را در کودکی نزد شیخ می‌برد و عوالی را به گوش من می‌رساند و همهی مسموعات را به خط خود می‌نوشت و از آنان برای من اجازه می‌گرفت»<sup>۲۷</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۲۲- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱

۲۳- همان.

۲۴- دایرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۲

۲۵- همان.

۲۶- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱

۲۷- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۲

۲۸- همان و الموضوعات، ج ۱، ص ۱۴

### عقیده و مذهب وی

ستایش‌های ابن جوزی از اهل بیت (علیهم السلام) نظیر ذکر فضائل حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) و بیان روایاتی در ستایش امام حسین (علیه السلام)، بعضی از بزرگان شیعه از جمله آیت الله خوانساری را بر آن داشته که در باب شیعه بودن ابن جوزی سخن گویند.<sup>۲۸</sup> اما حقیقت این است که او حنبلی مذهب است<sup>۲۹</sup> و شواهد فراوانی بر این مسئله وجود دارد.<sup>۳۰</sup> با این همه، معرفت و ارادت او نسبت به حضرت علی (علیه السلام) را نمی‌توان انکار کرد.<sup>۳۱</sup> وی در فصلی از کتاب صید الخواص با عنوان «الحق مع علی بن ابی طالب» به بیان منزلت والای آن حضرت نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌پردازد.<sup>۳۲</sup> با این وجود او در مورد عقاید شیعه راه تحقیق را در پیش نگرفته و عوام‌گونه به نقل از مشایخ نامطمئن مطالب نادرست را به شیعه نسبت می‌دهد.<sup>۳۳</sup>

ابن جوزی در عقاید مضطرب و مردد بین اثبات و تأویل و تفویض

۲۹- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۹

۳۰- طبقات المفسرین، ص ۵۰ و سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۸ و تذکره الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲

۳۱- برای مثال مراجعه کنید به دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۶

۳۲- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۹

۳۳- همان، اما در صید الخاطر، تحقیق عبد الرحمن البر، ریاض، دارالیقین للنشر و التوزیع، ۱۴۱۳، این باب حذف شده!

۳۴- فصل‌نامه‌ی علوم حدیث، محمد جواد وزیری فرد، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۷۸، ش ۱۲، ص ۸۷

بوده است.<sup>۳۴</sup> او در مورد علم کلام می‌گوید: «هیچ چیز برای عوام زیان‌بخش‌تر از علم کلام نیست. همان‌طور که کودک را از بیم غرق شدن در رود از رفتن به کنار آن باز می‌دارند باید عوام را از شنیدن مسائل کلامی و خوض در آن‌ها باز داشت.»<sup>۳۵</sup>

### عصر ابن جوزی

دوران زندگی ابن جوزی، مقارن با خلافت شش تن از خلفای بنی عباس بوده است.

- المسترشد (۵۲۹ - ۵۱۲ هـ. ق)

- الراشد (۵۳۰ - ۵۲۹ هـ. ق)<sup>۳۶</sup>

- المقتضی (۵۵۵ - ۵۳۰ هـ. ق): در زمان او ابن جوزی به واسطه‌ی

سخنرانی‌های خود و با کمک ابن هبیره، (وزیر حنبلی مذهب او)،<sup>۳۷</sup> به دستگاه حکومت راه یافت.<sup>۳۸</sup>

- المستنجد (۵۶۶ - ۵۵۵ هـ. ق): او از مذهب حنبلی بسیار حمایت

می‌کرد<sup>۳۹</sup> و به ابن جوزی اجازه برپایی مجلس وعظ در جامع قصر را داد.<sup>۴۰</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز چاپ و انتشارات علوم انسانی

۳۵- الموضوعات، ج ۱، ص ۲۸

۳۶- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۰

۳۷- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۴

۳۸- همان، ص ۲۶۶

۳۹- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۲

۴۰- همان.

۴۱- همان و دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۶

- المستضی (۵۷۵ - ۵۶۶ هـ. ق): در زمان او ابن جوزی به اوج شهرت رسیده؛<sup>۴۱</sup> به عنوان بزرگ‌ترین واعظ حنبلیان شناخته می‌شود<sup>۴۲</sup> و خلیفه به سختی تحت تاثیر سخنرانی‌ها و مواعظ وی بوده است.<sup>۴۳</sup>

در زمان المستضی حکومت فاطمی‌های مصر سقوط می‌کند. ابن جوزی در این باره کتابی با عنوان «النصر علی مصر» می‌نویسد و در حضور خلیفه می‌خواند. او کتاب دیگری نیز در این باب با عنوان «المصباح المضمی فی دولة المستضی» دارد؛ اما دقیقاً معلوم نیست که در این زمان، یا بعد از آن نگاشته است.<sup>۴۴</sup>

- الناصر (۶۲۲ - ۵۷۵ هـ. ق): این دوره، دوره‌ی محنت ابن جوزی است؛<sup>۴۵</sup> در اثر برتری یافتن یکی از رقبای قدیمی و نزدیک شدنش به حاکم و کینه‌جویی او، ابن جوزی به زندان می‌افتد<sup>۴۶</sup> و پنج سال در واسط، طعم حبس را می‌چشد<sup>۴۷</sup> و بعد از آزادی - که با وساطت مادر خلیفه محقق می‌شود<sup>۴۸</sup> - چندان زندگی نمی‌کند<sup>۴۹</sup> و سرای فانی را در

۴۲- دائرة المعارف، ج ۶، ص ۲۶۶

۴۳- همان.

۴۴- همان.

۴۵- الموضوعات، ص ۱۳

۴۶- همان.

۴۷- همان، ص ۴۶ و تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۶

۴۸- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۳۶۸

۴۹- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۶۴ و دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۸

۵۰- الموضوعات، ج ۱، ص ۴۷



حالی که سنش از هشتاد می‌گذشته است بدروود می‌گوید.<sup>۵۰</sup>  
در مجموع باید گفت به رغم این‌که ابن جوزی مکرر در «صید  
الخواطر»<sup>۵۱</sup> و «تلبیس ابلیس»<sup>۵۲</sup> و دیگر آثارش ارتباط عالمان با دولت‌مردان  
را نکوهش و تقبیح می‌کند؛ از جای جای المنتظم بر می‌آید که خود، با  
خلفا، وزرا و دیگر صاحبان قدرت در ارتباط بوده است.<sup>۵۳</sup>

### فعالیت‌های علمی ابن جوزی

اولین سماع: اولین سماع او در سن ۱۶ سالگی بوده است.<sup>۵۴</sup>  
اساتید و شاگردان: نخستین استاد ابن جوزی، دایی‌اش (ابوالفضل بن  
ناصر) - فقیه و لغوی شهیر - بوده است.<sup>۵۵</sup> در مجموع، اساتید زیادی برای  
او برشمرده‌اند.<sup>۵۶</sup> ابن جوزی در المنتظم، تعداد مشایخ خود را بیش از ۷۰  
تن می‌داند<sup>۵۷</sup> و در المشیخه از ۸۹ استاد مرد و ۳ استاد زن یاد می‌کند.<sup>۵۸</sup> او  
آخرین کسی بوده که از دینوری و متوکل روایت کرده است.<sup>۵۹</sup> جماعتی

۵۱- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۸ و دائرة المعارف، ج ۳، ص ۷۶۸

۵۲- صید الخواطر، ص ۵۱۲

۵۳- تلبیس ابلیس، عبد الرحمن بن جوزی، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۴، ص ۱۰۹

۵۴- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۸

۵۵- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲ و سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۸

۵۶- تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۳۴۳ و الموضوعات، ج ۱، ص ۱۳ و دائرة المعارف، ج ۳، ص

۲۶۲

۵۷- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲ و سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۷

۵۸- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۴

۵۹- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۶

۶۰- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۵

از جمله، نوه‌اش شاگردی او را کرده‌اند<sup>۶۱</sup> و گروهی نیز از او اجازه‌ی حدیثی گرفته‌اند.<sup>۶۲</sup>

رحلت‌های حدیثی: ابن جوزی برای کسب حدیث، سفری نکرده<sup>۶۳</sup> و جز برای حج از بغداد خارج نشده است<sup>۶۴</sup> و در نقل‌های حدیثی خود تنها از کتب فراوانی که در دست داشته سود جسته است.<sup>۶۵</sup>

حوزه‌های فعالیت علمی: ابن جوزی در زمینه‌های وعظ<sup>۶۵</sup>، تفسیر، تاریخ<sup>۶۶</sup>، حدیث<sup>۶۷</sup> و فقه توانا بوده و صاحب تألیف است.<sup>۶۸</sup>

آثار و تصنیفات: تصنیفات ابن جوزی زیاد بوده<sup>۶۹</sup> و در حوزه‌های مختلف است.<sup>۷۰</sup> گفته شده او از ۱۳ سالگی شروع به تألیف کرد و تا پایان عمر از نوشتن باز نایستاد.<sup>۷۱</sup> ابن جوزی خود، نخستین کسی بود که به فهرست کردن آثارش اقدام کرد؛ با این وجود، در شمارش تصانیف او

۶۱- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۷ و تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۶ و همان، ص ۳۶۷

۶۲- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۷ و سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۶۸

۶۳- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۲۶۶

۶۴- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۶۸

۶۵- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۲۶۶

۶۶- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲ و طبقات المفسرين، ص ۵۰

۶۷- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۶

۶۸- طبقات المفسرين، ص ۵۰

۶۹- الموضوعات، ج ۱، ص ۲۰-۳۷

۷۰- تذکرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۴۲

۷۱- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۳

۷۲- همان.

اختلاف است.

در اشعاری که در پایان عمرش سروده، بیان شده که تصانیفش بیش از ۳۰۰ مصنف است<sup>۷۳</sup> و همچنین در پاسخ به سؤالی در مورد تصانیفش آن‌ها را ۳۴۰ تصنیف دانسته است که برخی از آن‌ها به اندازه‌ی ۲۰ جلد و برخی دیگر حد جزوه‌ای کوچک است.<sup>۷۴</sup>

نوه‌ی ابن جوزی می‌گوید: «از جدم بر منبر شنیدم که گفت: هزار جلد نگاشته است.»<sup>۷۵</sup> ابن تیمیه در اجوبة المصربه در مورد تعداد نگارش‌های ابن جوزی می‌نویسد: «من یک بار آثار او را شمردم؛ بیش از هزار تصنیف بود. پس از آن باز هم آثاری از او دیدم که در آن شمارش به حساب نیاورده بودم.»<sup>۷۶</sup>

در کتاب مصنفات ابن جوزی که توسط یکی از محققین معاصر نوشته شده، نام ۵۱۹ کتاب او آمده است.<sup>۷۷</sup>

شاید سبب اختلاف در شمارش تصانیف او این باشد که برخی از تألیفات وی مختصر یا تکمله‌ی تألیفات سابق دیگران یا خود اوست<sup>۷۸</sup> و باید گفت: بسیاری از نسخه‌های خطی کتب ابن جوزی در کتابخانه‌های

۷۳- همان، ص ۲۷۴

۷۴- الموضوعات، ج ۱، ص ۲۸

۷۵- همان.

۷۶- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۲۷۰

۷۷- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۳

۷۸- الموضوعات، ج ۱، ص ۲۸

۷۹- همان، ص ۲۷

عالم ناشناخته باقی مانده است.<sup>۷۹</sup>

### سخنی در مورد آثار ابن جوزی

بزرگان در ارزیابی آثار ابن جوزی نظرات گوناگونی داده‌اند؛<sup>۸۰</sup> برای مثال ابن تیمیه در اجوبة المصریة تصنیفات او را ستوده و می‌گوید: «او در حدیث، وعظ و مباحث مربوط به آن‌ها مصنفاتی دارد که کسی چون او تصنیف نکرده است» اما در مقابل گفته‌اند به علت نقل بسیار ابن جوزی از ابوالوفاء، در کلام و حدیث وی ناهماهنگی و پریشانی راه یافته است.<sup>۸۱</sup>

به هر حال، تألیفات او از سیل خرده‌گیری‌ها و طعن‌های علما در امان نمانده است؛ ذهبی از قول موفق عبداللطیف می‌نویسد:

«در تصانیف او غلط‌های بسیاری دیده می‌شود» سپس به نشانه تأیید می‌افزاید: «سخنان بی‌اساس، در آثارش مشاهده می‌شود و آن قدر تألیف کرده که اگر عمری دوباره یابد نمی‌تواند آن‌ها را اصلاح و بازنویسی کند.»<sup>۸۲</sup>

یکی از سبب‌های راه یافتن اشتباه در تصانیف ابن جوزی عدم بازبینی و اصلاح تصنیفات، بعد از اتمام آن‌ها است.<sup>۸۳</sup> ابن رجب در این باره

۸۰- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۴

۸۱- همان.

۸۲- همان

۸۳- تذکره الحفاظ، ج ۲۱، ص ۳۷۸ و الموضوعات، ج ۱، ص ۲۷ و دائرة المعارف، ج ۳، ص

۲۷۳

۸۴- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۴

می‌گوید: «ابن جوزی به محض آن‌که کتابی را به پایان می‌برد بی آن‌که به تنقیح آن بپردازد به تألیف دیگری می‌پرداخت و گاه در یک زمان به تألیف چندین کتاب مشغول بود.»<sup>۸۴</sup> نقل فراوان ابن جوزی از افراد غیر خبره<sup>۸۵</sup>، عدم مراجعه به کتب<sup>۸۶</sup>، تألیف در موضوعاتی که در آن‌ها توان علمی لازم را نداشته<sup>۸۷</sup> و تمایل او به تأویل در برخی مسائل از دیگر عوامل راه یافتن اشتباه در تألیفات وی بود.<sup>۸۸</sup>

نظر ابن جوزی در مورد آثارش شنیدنی است؛ او در این باره می‌گوید: «انا مرتب و لست بمصنف.» یعنی: من گردآورنده‌ام نه مصنف.

### میزان تبصره وی در حدیث

ابن تیمیه در اجوبة المصریه می‌گوید: «در این زمینه‌ها (حدیث و...) برخلاف بسیاری از مؤلفان که راست را از دروغ باز نمی‌شناسند ابن جوزی در بازشناختن درست از نادرست بی‌نظیر است.»<sup>۸۹</sup>

ابن جوزی خود، در باب احاطه‌اش بر احادیث نوشته است: «از آن‌جا که بیشتر اشتغال من حدیث و علوم مربوط به آن دوره بوده تقریباً می‌توانم درباره‌ی هر حدیثی که بر من عرضه می‌شود بگویم صحیح

۸۵- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۷۸ و الموضوعات، ج ۱، ص ۳۷ و دائرة المعارف، ج ۳، ص

۲۷۳

۸۶- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۳ و الموضوعات، ج ۱، ص ۲۸

۸۷- سیر الاعلام، ج ۲۱، ص ۳۷۸

۸۸- الموضوعات، ج ۱، ص ۲۸

۸۹- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۳

۹۰- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۳

است، حسن است یا محال.<sup>۹۰</sup>

اما این سخنان کاملاً با داوری ذهبی و سیوطی و دیگران مغایرت دارد؛ ذهبی در این مورد می‌نویسد: «ابن جوزی از نظر فن حدیث، حافظ به شمار نمی‌آید، ولی می‌توان او را به اعتبار کثرت اطلاع بر حدیث و گردآوری آن، حافظ خواند.»<sup>۹۱</sup>

وی در تفسیر، وعظ و تاریخ، میرز؛ در فقه حنبلی، متوسط و از متون حدیث اطلاع کامل داشت؛ اما در شناخت صحیح و سقیم احادیث، ذوق محدثان و نقادی حافظان میرز را نداشت.<sup>۹۲</sup>

سیوطی در مقدمه‌ی کتاب اللالی المصنوعه که در رد کتاب الموضوعات ابن جوزی است، نوشته: «وی در این کتاب نه تنها بسیاری از احادیث ضعیف بلکه صحیح و حسن را به عنوان احادیث موضوعه آورده است.»<sup>۹۳</sup>

به هر حال ابن جوزی، تألیفات فراوانی با محوریت حدیث و علوم مربوط به آن دارد؛ برخی از تألیفات او در این حوزه عبارتند از: جامع المسانید بالخص الاسانید، إعلام العالم بعد رسومة بحقایق ناسخ الحدیث و منسوخه، الضعفاء و المتروکین، فضائل عمر بن الخطاب، مناقب ابراهیم بن ادهم، مناقب احمد بن حنبل و ...<sup>۹۴</sup>

۹۱- همان، ص ۲۷۴

۹۲- طبقات الحفاظ، ج ۴، ص ۳۴۲

۹۳- طبقات المفسرین، ص ۵۰

۹۴- دائرة المعارف، ج ۳، ص ۲۷۴

۹۵- الموضوعات، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱

## درباره کتاب الموضوعات

### نام کتاب

از این کتاب با «ع» اسم یاد شده است:

الموضوعات فی الأحادیث المرفوعات: اسماعیل البغدادی در هدیه

العارفین؛

الموضوعات من الأحادیث المرفوعات: ابن رجب؛

الموضوعات الکبری: حاجی خلیفه در کشف الظنون؛

الموضوعات: نوهی ابن جوزی در مرآة الزمان و تذکرة الخواص، ذهبی

در تذکرة الحفاظ و تاریخ الإسلام، ابن خلکان در وفيات الأعیان، سیوطی

در نظم العقیان، زرکلی در الأعلام، طاش کبری زاده در مفتاح العادة.<sup>۹۵</sup>

### انگیزه تألیف

ابن جوزی در مقدمه انگیزه خود را پیراستن شریعت از محال و بر

حذر داشتن از عمل به چیزهای غیرشرعی معرفی می‌کند.<sup>۹۶</sup>

### روش تألیف کتاب

ابن جوزی کتاب خود را در قالب یک مقدمه، چهار باب مقدماتی و

متن اصلی نگاشته است:

مقدمه، شامل ۱۱ فصل است و در آن مسائلی همچون: برتری امت

اسلام بر سایر امتهای و علت آن، اشتباه متأخرین در قبال حدیث، تقسیم

۹۶- مؤلفات ابن جوزی، عبدالحمید العلوجی، بغداد، شركة دار الجمهورية للنشر و الطبع،

۱۳۸۵ هـ.ق، ص ۱۴۵ و ۱۴۶

۹۷- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۴۸

حدیث به ۶ دسته، تقسیم راویان وضاع و انگیزه‌های وضع، نام عده‌ای از وضاعین و... مطرح شده است و در مجموع ۴۷ صفحه می‌باشد.<sup>۹۷</sup>

باب اول مقدماتی با عنوان فی ذم الکذب: در این باب دو صفحه‌ای، ۴ حدیث از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با محوریت مذمت کذب و دروغ آورده شده است.

باب دوم مقدماتی با عنوان فی قوله (علیه السلام): «من کذب علی متعمداً...» در این باب، ۹۸ طریق همراه با متن، برای حدیث «من کذب علی...» بیان شده؛ سپس ۴ تأویل برای آن ارائه شده است و در نهایت با نقد و بررسی، یکی از آن‌ها پذیرفته شده است. این باب ۱۰۹ صفحه را به خود اختصاص داده است.

باب سوم مقدماتی با عنوان فی الأمر بانتقاد الرجال... : در این باب، ابن جوزی بر نقادی راویان و پرهیز از روایت کردن از دروغ‌گویان و یافتن روایت در منابع و مصادر حدیث تأکید می‌کند و در نهایت به چگونگی حکم به صحت و ضعف حدیث، مسئله‌ی تدلیس و مثال‌هایی برای آن و چگونگی شناخت حدیث منکر و... می‌پردازد.

باب چهارم مقدماتی با عنوان «فی ذکر الکتب التي یشتمل علیها هذا الكتاب»: این باب، فهرست‌گونه است و در آن، عناوین کتاب‌های (فصل‌های) متن اصلی کتاب آمده است.

### متن اصلی

۹۸- شماره‌ی صفحات ارائه شده مربوط به چاپ چهار جلدی کتاب الموضوعات انتشارات اعداد السلف ریاضی است.



شامل ۵۰ کتاب است که بر اساس ترتیب کتاب‌های کتب فقهی مرتب شده‌اند<sup>۹۸</sup> و هر کدام از کتاب‌ها نیز شامل چندین باب است. در هر باب، چند حدیث که از لحاظ موضوع با عنوان باب همخوانی دارد آورده شده است. در برخی موارد، پس از بیان روایت، علت موضوع بودن، آورده شده و گاهی پس از آن که چند روایت ارائه شد، علت موضوع بودن هر کدام را گفته است.

موضوع این باب‌ها و حجم حدیثی آن‌ها بدین شکل است:

۱. کتاب التوحید، مشتمل بر ۳۸ حدیث موضوع در ۱۹ باب، دربردارنده‌ی موضوعاتی همچون: قدم خداوند، قدم قرآن، وحی الهی به زبان‌های گوناگون، منقورترین زبان‌ها نزد خداوند، تشبیه، لوح، فرود آمدن خداوند و جلوس خداوند در روز قیامت؛
۲. کتاب الإیمان مشتمل بر ۲۰ حدیث موضوع در ۹ باب و دربردارنده‌ی موضوعاتی همچون: ماهیت ایمان، افزایش و نقصان ایمان، استثناء (ان شاء الله گفتن)، شک در ایمان و احباط عمل، علامت کمال ایمان؛
۳. کتاب المبتدا مشتمل بر ۱۰۳ حدیث موضوع در ۴۶ باب، در موضوع آفرینش و اوایل؛
۴. کتاب ذکر جماعة من الأنبياء و القدماء، مشتمل بر ۳۲ حدیث موضوع در ۲۲ باب، دربردارنده‌ی موضوعاتی همچون: ذکر آدم (علیه السلام) و برخی از انبیاء دیگر و افرادی مثل: هامة بن الهیثم و قس بن

ساعده؛

۵. کتاب العلم به انضمام ۲ تتمه: کتاب العلم، مشتمل بر ۴۲ حدیث موضوع در ۲۹ باب و در بردارنده‌ی موضوعاتی همچون: طلب علم، نشر علم، دعا برای معلم، ذم علم بافندگی؛

تتمه‌ی اول: ابواب تعلق بالقرآن، شامل ۴۶ حدیث موضوع در ۱۶ باب، در مورد: فضائل سور مختلف، ثواب بلند خواندن قرآن، ثواب حافظ قرآن و بهبود مجنون به وسیله قرائت قرآن؛

تتمه‌ی دوم: ابواب تعلق بعلوم الحدیث، مشتمل بر ۱۷ حدیث موضوع در ۱۵ باب، از جمله: قبول حق از حدیث، ثواب کسی که به او حدیثی رسد و بدان عمل کند و گذاشتن قلم بر روی گوش؛

۶. کتاب السنه و ذم اهل البدع، مشتمل بر ۲۵ حدیث موضوع در ۱۱ باب، در بردارنده‌ی موضوعاتی همچون: ذم مرجئه، قدریه، رافضه و خوارج؛

۷. کتاب الفضائل و المثالب در ۳ بخش:

الف) أبواب فی ذکر الأشخاص، مشتمل بر ۳۳۰ حدیث موضوع در ۷۳ باب، در بردارنده‌ی موضوعاتی همچون: احادیث در فضل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، ابوبکر، عمر، عثمان، علی (علیه السلام) و شیعیان حضرت، حسن و حسین (علیهما السلام)، حضرت زهرا (سلام الله علیها)، عایشه، معاویه، حسن بصری، ابوحنیفه، شافعی و...

که بخش عمده‌ای از احادیث این بخش، مربوط به فضائل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است که به ۱۱۹ حدیث می‌رسد؛

- ب) أبواب ذكر الأماكن، مشتمل بر ۴۰ حدیث موضوع در ۱۲ باب است و محتوی مدح و ذم در مورد بلاد گوناگون است؛
- ج) أبواب ذكر الأيام و الشهور، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۴ باب است که از جمله مسائل آن، نام‌گذاری ایام البیض و ذمّ روز چهارشنبه است؛
- ۸ کتاب الطهارة، مشتمل بر ۲۱ حدیث موضوع در ۱۳ باب با موضوع طهارت؛
۹. کتاب الصلاة، مشتمل بر ۹۰ حدیث موضوع در ۶۹ باب که در مورد مسائل مربوط به نمازها است؛
۱۰. کتاب الزکوة، مشتمل بر ۴ حدیث موضوع در ۴ باب؛
۱۱. کتاب الصدقة، مشتمل بر ۳۴ حدیث موضوع در ۱۱ باب، دربردارنده عناوینی همچون: رزق المؤمن من حیث لا یحتسب، جواز انتهار السائل اذا رد علیه فلم یبرح، طلب الخیر من حسان الوجوه؛
۱۲. کتاب فعل المعروف، مشتمل بر ۲۸ حدیث موضوع در ۱۳ باب؛
۱۳. کتاب المدح و السخاء و الکرام، مشتمل بر ۱۳ حدیث موضوع در ۶ باب؛
۱۴. کتاب الصوم، مشتمل بر ۳۵ حدیث موضوع در ۲۱ باب؛
۱۵. کتاب الحج، مشتمل بر ۲۳ حدیث موضوع در ۱۶ باب؛
۱۶. کتاب السفر، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۱۷. کتاب الجهاد، مشتمل بر ۲۵ حدیث موضوع در ۲۳ باب؛
۱۸. کتاب البیع و المعاملات، مشتمل بر ۳۷ حدیث موضوع در ۱۷

باب؛

۱۹. کتاب النکاح، مشتمل بر ۴۸ حدیث موضوع در ۳۵ باب؛
۲۰. کتاب النفقات، مشتمل بر ۴ حدیث موضوع در ۴ باب؛
۲۱. کتاب الأطعمة، مشتمل بر ۱۲۵ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۲۲. کتاب الأشربة، مشتمل بر ۱۰ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۲۳. کتاب اللباس، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۷ باب؛
۲۴. کتاب الزينة، مشتمل بر ۱۶ حدیث موضوع در ۱۰ باب؛
۲۵. کتاب الطيب، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۲۶. کتاب النوم، مشتمل بر ۷ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۲۷. کتاب الأدب، مشتمل بر ۱۷ حدیث موضوع در ۱۱ باب؛
۲۸. کتاب معاشرۃ الناس، مشتمل بر ۱۰ حدیث موضوع در ۱۱ باب؛
۲۹. کتاب البر، مشتمل بر ۶ حدیث موضوع در ۹ باب؛
۳۰. کتاب الهدایا، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۲ باب؛
۳۱. کتاب الأحکام و القضايا، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۴ باب؛
۳۲. کتاب السلطانيه، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۳ باب؛
۳۳. کتاب الإیمان و النذور، مشتمل بر ۲ حدیث موضوع در ۲ باب؛
۳۴. کتاب ذم المعاصی، مشتمل بر ۴۴ حدیث موضوع در ۲۲ باب؛
۳۵. کتاب الحدود و العقوبات، مشتمل بر ۱۰ حدیث موضوع در ۱۰

باب؛

۳۶. کتاب الزهد، مشتمل بر ۴۸ حدیث موضوع در ۳۰ باب؛

۳۷. کتاب الذکر، مشتمل بر ۹ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۳۸. کتاب الدعاء، مشتمل بر ۹ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۳۹. کتاب المواعظ، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۴۰. کتاب الوصایا، مشتمل بر ۵ حدیث موضوع در ۵ باب؛
۴۱. کتاب الملاحم و الفتن، مشتمل بر ۱۷ حدیث موضوع در ۱۵ باب؛
۴۲. کتاب المرض، مشتمل بر ۲۱ حدیث موضوع در ۱۳ باب؛
۴۳. کتاب الطب، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۴۴. کتاب ذکر الموت، مشتمل بر ۲۹ حدیث موضوع در ۱۵ باب؛
۴۵. کتاب المیراث، مشتمل بر ۳ حدیث موضوع در ۳ باب؛
۴۶. کتاب القبور، مشتمل بر ۲۴ حدیث موضوع در ۱۶ باب؛
۴۷. کتاب البعث و أهوال القيامة، مشتمل بر ۹ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۴۸. کتاب صفة الجنة، مشتمل بر ۲۱ حدیث موضوع در ۱۱ باب؛
۴۹. کتاب صفة جهنم، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۸ باب؛
۵۰. کتاب المستبشع من الموضوع علی الصحابة، مشتمل بر ۱۱ حدیث موضوع در ۱۱ باب؛
- بدین ترتیب در کتاب الموضوعات، بالغ بر ۱۸۰۰ حدیث موضوع، در قالب ۵۰ باب مذکور انتظام یافته است، و همانطور که از اعداد و ارقام مشخص است، بیشترین حجم احادیث موضوع در کتاب الموضوعات ابن جوزی، به باب هفتم فضائل و مثالب - با ۳۳۰ حدیث موضوع - مربوط

است و از میان آن‌ها احادیث مربوط به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از همه بیشتر و نزدیک به ۱۲۰ حدیث است. در میان ابواب نیز، باب بیست و یکم با شمار ۱۲۵ حدیث موضوع، پس از باب فضائل و مثالب در بردارنده‌ی بیشترین تعداد احادیث موضوع است.

گفتنی است که در میان آن‌ها، احادیث موضوعی از صحیحین و سنن اربعه‌ی اهل سنت نیز به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که سیوطی در کتاب «القول الحسن فی الذب عن السنن و النکت البدیعات علی الموضوعات» خود، ۳۴۳ حدیث از احادیث الموضوعات ابن جوزی را آورده و به دفاع از آن‌ها پرداخته است و در میان آن‌ها یک حدیث از صحیح بخاری، یک حدیث از صحیح مسلم، ۳۸ حدیث از مسند احمد بن حنبل، ۹ حدیث از سنن ابی داود، ۳۰ حدیث از سنن ترمذی، ۱۰ حدیث از سنن نسائی، ۳۰ حدیث از سنن ابن ماجه و ۶۰ حدیث از مستدرک حاکم دیده می‌شود.<sup>۹۹</sup>

### شیوه‌ی مؤلف

#### الف) در مقدمه و باب‌های مقدماتی

در مقدمه و ۳ باب مقدماتی نخستین - به خصوص باب سوم - ابن جوزی در صدد است که مباحث تئوری پدیده‌ی وضع و تقسیم‌بندی اصلی مربوط به آن - از تقسیم‌بندی احادیث گرفته تا راویان وضع - و

۹۹. دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، جدیدی‌نژاد، محمدرضا؛ قم: دار الحدیث، ۱۳۸۱، ص

همچنین روش و متدولوژی بازشناسی احادیث موضوعه و منکر را ارائه دهد. در این قسمت، این جوزی اهتمام زیادی به مستند کردن حرف‌هایش به آیات قرآن و روایات دارد تا آنجا که گاهی ذیل عنوانی همچون «باب اول: فی ذم البُکذِب» تنها به بیان چند حدیث اکتفا می‌کند و مجموعاً در مقدمه از ۳۶ حدیث، و در ۳ باب مقدماتی از ۱۹۴ حدیث، سود جسته است.

باب چهارم: همان‌گونه که بیان شد، در واقع فهرستی بر بخش اصلی کتاب است که این جوزی آن را به منظور سهولت یافتن حدیث در کتاب، نگاشته است.

### ب) در متن اصلی

در این قسمت، این جوزی در صدد ارائه‌ی مجموعه‌ای از احادیث موضوعه و نقد و بررسی آن‌هاست. سخن او در نقد و بررسی احادیث، حول ۳ محور اصلی می‌باشد:

۱- بیان علت موضوع بودن حدیث؛

۲- مشخص کردن وضاع؛

۳- بیان انگیزه وضاع؛

پرداختن به محور اخیر، در همه‌ی موارد عمومیت ندارد و در مورد تعداد اندکی از روایات به این مسئله توجه شده است. می‌توان گفت که این جوزی در راستای پرداختن به این محورها در مجموع به صورت زیر عمل می‌کند:

## ۱- شیوهی ابن جوزی در نقادی حدیث و بیان علت

### موضوع بودن

در الموضوعات، با استناد بر ۳ شکل زیر، بر موضوع بودن حدیثی استدلال می‌شود:

الف) نقد سندی؛

ب) نقد متنی؛

ج) عدم وجود حدیث در اصل.

### الف) نقد سندی

نقد سندی، بارزترین و اصلی‌ترین شیوهی نقادی ابن جوزی است و او بر آن تکیه‌ی تام دارد به گونه‌ای که نزد او شیوه‌های استدلال بر «عدم وجود حدیث در اصل» و یا «نقد متنی»، عملاً پس از نقد سندی حائز اهمیت است و در همهی مواردی که او از دو شیوهی اخیر برای استدلال بر «موضوع بودن» سود جسته است، نقد سندی را هم مورد توجه و عنایت قرار داده است؛ البته در همهی مواردی که نقد سندی کرده، به نقد متنی، یا عدم وجود حدیث در اصل، توجه نکرده است.

به هر حال سراسر الموضوعات آکنده از مثال‌هایی دال بر به کارگیری و تکیه‌ی بیش از اندازه بر این شیوه است.

از نظر ابن جوزی، وقتی در سلسله راویان، یک راوی به کذب متهم باشد، هیچ ستون محکمی نمی‌تواند خیمه‌ی حدیث را بر پا نگه دارد و اتقان و استحکام عبارات، سازگاری با اصول دین و هماهنگی و مشابهت



با روایاتی که از طریق صحیح نقل شده، ارزش و جایگاه خود را کاملاً از دست می‌دهد و به نظر می‌رسد که این جوزی دیگر اجازه‌ی کوچکترین تأملی در معنای حدیث به خود نمی‌دهد.<sup>۱۰۱</sup>

از این روست که او احادیثی چون: «اطلبوا العلم و لو بالصین»<sup>۱۰۱</sup>، «لما خلق الله العقل قال له: أقبل ما قبل ثم قال أدبر ما ادبر. فقال و عزتی ما خلقت خلقاً هو أعجب إليّ منک، بک آخذ و بک أعطی و لک الثواب و علیک العقاب»<sup>۱۰۲</sup> و «من كثرت صلاته باللیل، حسن وجهه بالنهار»<sup>۱۰۳</sup> را محکوم به موضوع بودن می‌کند؛ البته از نظر ابن جوزی، برای موضوع بودن یک حدیث تنها وجود یک راوی متهم و یا حتی مجهول کافی است و وثاقت سایر راویان کاملاً بی‌ارزش و بی‌اثر است؛ این نکته از برخی نقادی‌های وی به وضوح پیداست؛ برای مثال آن‌جا که می‌گوید:

«هذا حدیث منکر و رجال إسنادہ کلهم معروفون بالثقة إلا إبراهيم بن عیسی القنظری فإنه مجهول»<sup>۱۰۴</sup> و یا «هذا حدیث لا یصح، کل رجاله ثقات و لا اتهم به إلا المعدنی»<sup>۱۰۵</sup> و یا «الرجال المذكورون فی اسناد هذا الحدیث کلها ثقات غیر ابن سهیل»<sup>۱۰۶</sup>

ابن جوزی در بیشتر موارد نقد سندی از قضاوت‌های رجالی بخاری،

۱۰۱- فصل نامه‌ی علوم حدیث، سعید فلاح‌پور، ش ۱۸، ص ۹۲

۱۰۲- الموضوعات، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۴۲۷

۱۰۳- همان، ص ۲۷۳، ج ۳۶۶

۱۰۴- همان، ج ۲، ص ۴۱۰، ح ۹۸۴ و ۹۸۵

۱۰۵- همان، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۲۵۲

۱۰۶- همان، ص ۲۴۰، ح ۳۲۵

۱۰۷- همان، ج ۳، ص ۱۶۳، ح ۱۳۷۷

مسلم، ابوحنیفه، یحیی بن معین، ابن حارث ابوحاتم نسائی دارقطنی و... سود جسته و داوری خود را بر پایه‌ی تضعیفات آنها استوار ساخته است و در مواردی نیز به ایراد موجود در سند، مثل انفراد، استناد می‌کند و از این طریق حدیث را موضوع می‌خواند؛ برای مثال: «قال دارقطنی: تفرد به حسان عن ثابت»<sup>۱۰۷</sup> و یا «قال المصنف: هذا حدیث لایصح، انفراد بروایت عن زید مسلمة»<sup>۱۰۸</sup>

ابن جوزی در نقادی رجال، حساسیت زیادی روی راویان شیعه دارد. او در ابتدای باب فضائل علی (علیه السلام)<sup>۱۰۹</sup> و پیش از پرداختن به احادیث موضوع، مقدمه‌ای دارد که گویا دیدگاه او نسبت به راویان شیعه است؛ از نظر او اولاً از طریق رافضیان، فضیلت صحیحی نقل نشده است؛ زیرا او رافضیان را به سه دسته تقسیم می‌کند و می‌گوید: هیچکدام به دنبال نقل احادیث صحیح نیستند؛ ثانیاً منظور ابن جوزی از رافضیان، همان شیعه‌ی امامیه‌اند که دارای فقه جعفری هستند.<sup>۱۱۰</sup> برخی الفاظی که او با آنها به شیعیان اشاره و آنها را تضعیف می‌کند عبارتند از: «کان غالباً فی التشیع واهياً فی الحدیث، کان رافضیاً، غالباً فی الرفض، کان شیعیاً، هو من متشیعی الکوفه، کان من شیوخ الشیعه، من رؤساء الشیعه، کلهم روافض و...»

ظاهراً او بر این باور است که تشیع و وثاقت با هم در یک راوی جمع

۱۰۸- همان، ج ۳، ص ۱۷۸، ح ۱۳۹۶

۱۰۹- همان، ج ۲، ص ۲۰، ح ۵۵۰

۱۱۰- همان، ج ۲، باب ۳۱

۱۱۱- علوم حدیث، ش ۱۸، ص ۷۵.

نمی‌شوند.

ب) نقد متنی

نقد متنی، در الموضوعات به ۳ طریق انجام می‌گیرد:

۱) با استدلال بر غیر معقول بودن محتوای حدیث؛

در این راستا گاهی ابن جوزی بر اساس محال بودن یا عقلانی نبودن محتوای حدیث، بر موضوع بودن آن حکم می‌کند؛ برای مثال: بعد از حدیث «إن الله عزَّ و جلَّ خلق الفرس فاجراها فعرقت ثم خلق نفسه منها» می‌گوید: «هو مستحيل لأن الخالق لا يخلق نفسه... مثل هذا الحديث لا يحتاج إلى اعتبار رواته لأن المستحيل لو صدر عن الثقات رد و نسب إليهم الخطأ»<sup>۱۱۱</sup>. و یا بعد از حدیثی که در آن اوصاف عجیبی برای بهشت بیان شده می‌گوید: «... و ما أفحش هذا المحال»<sup>۱۱۲</sup> و یا بعد از حدیث «لاناكلوا اللحم» می‌گوید: «و هذا محال»<sup>۱۱۳</sup> و یا آن‌جا که می‌گوید: «هذا حدیث لا يخفى على الصبيان الجهلة أنه موضوع»<sup>۱۱۴</sup>

گاهی بر اساس تضاد بین محتوای حدیث و مبانی اعتقادی، موضوع بودن حدیث را نتیجه می‌گیرد؛ برای مثال: بعد از حدیثی که بر اساس آن خداوند به زبان عبری با حضرت موسی (علیه السلام) سخن می‌گوید و حضرت موسی (علیه السلام) سؤال می‌کند این عبرانی کیست؟ و خداوند پاسخ می‌دهد: «أنا الله» می‌آورد: «هذا حدیث لا یصح فإن كلام الله لا یشبه

۱۱۲- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۲۳۱

۱۱۳- همان، ج ۳، ص ۲۶

۱۱۴- همان، ج ۳، ص ۱۳۲، ح ۱۳۴۶

۱۱۵- همان، ج ۳، ص ۲۲

کلام المخلوق»<sup>۱۱۵</sup>. و یا با توجه به مبانی اعتقادی خود در نقد حدیثی می‌گوید: «هذا حدیث لا یصح من رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یوهم عظمة الذات علی وجه التشبیه و التجسیم، تعالی الله عن ذلك.»<sup>۱۱۶</sup>

### ۲) با استدلال بر تنافی حدیث با منصوصات شرعی؛

تنافی با قرآن: برای مثال، بعد از رد ملاقات پیامبر با حضرت خضر (علیه السلام) و یا پیامبر دیگری می‌گوید: «جمع الأخبار فی ذکر الخضر واهیه الصدور... و التخلید لایکون بشر، قال عزّ و جلّ: «و ما جعلنا لبشر من قبلك الخلد» (انبیاء ۳۴)<sup>۱۱۷</sup>. و یا در رد روایتی در ایمان آمنه می‌گوید: و یکفی فی رد هذا الحدیث قوله تعالی: «فیمت و هو کافر» (بقره ۲۱۷)<sup>۱۱۸</sup>

تنافی با احادیث دیگر (سنت): برای مثال در رد حدیث رد الشمس می‌گوید: «و فی الصحیح عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): إن الشمس لم تحبس علی أحد إلا لیوشع»<sup>۱۱۹</sup>

و یا بعد از روایت «خلق الله عزّ و جلّ آدم من تراب الجابیه و عجنه بماء الجنة» می‌گوید: و قد صح عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «إن الله تعالی خلق آدم من قبضة قبضها من جمیع الأرض»<sup>۱۲۰</sup>

### ۳) با استدلال بر رکاکت الفاظ و بعید بودن صدور عبارات از پیامبر

۱۱۶- همان، ج ۱، ص ۳۰۸، ح ۳۹۹

۱۱۷- همان، ج ۳، ص ۱۷۸، ح ۱۳۹۶

۱۱۸- همان، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۴۰۷

۱۱۹- همان، ج ۲، ص ۱۲، ح ۵۴۶

۱۲۰- همان، ج ۲، ص ۱۳۳، ح ۶۶۹

۱۲۱- همان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۳۹۴

(صلی الله علیه و آله و سلم)؛

برای مثال بعد از حدیث «إن الله عزّ و جلّ لا یغضب فإذا غضب تسلحت الملائكة لغضبه، فإذا أطلع إلى أهل الرض و نظر إلى الولدان یقرؤون القرآن تملاء ربنا رضاً» می‌گوید: «هذا حدیث لا یصح و الفاظه منكرة»<sup>۱۲۱</sup>. و یا بعد از حدیث «لو علم الناس و حدی بالرطب لفرونی به إذا ذهب» می‌گوید: «هذا حدیث موضوع و قد تنزه رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) أن یبلغ به الأمر إلى هذا»<sup>۱۲۲</sup>

ج) با استناد بر عدم وجود حدیث در اصل

یکی از کارهای دیگری که ابن جوزی، در راستای موضوع دانستن حدیث انجام می‌دهد، معین کردن بی‌اصل بودن حدیث، یعنی عدم وجود آن در کتب معتبر است. ابن جوزی از این کتب در یکی از باب‌های مقدماتی الموضوعات، چنین نام می‌برد: موطأ، مسند احمد، صحیحین، سنن ابی داوود، ترمذی و مانند آنها.

عبارتی که ابن جوزی برای رساندن این معنا به کار می‌برد «لما أصل له» است. برای مثال بعد از حدیث جابر، (بینما نحن مع رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فی نفر من المهاجرین فیهم أبوبکر و عمر و عثمان و علی. فقال النبی: لینهض کل رجل إلى کفوه و نهض النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) إلى عثمان فاعتنقه و قال: أنت ولی فی الدنيا و الآخرة) می‌گوید: قال مؤلفه: «هذا حدیث لا أصل له و لا صحه»<sup>۱۲۳</sup>

۱۲۲- همان، ص ۱۸۳، ح ۲۶۷

۱۲۳- همان، ص ۱۹۷، ۲۸۱

۱۲۴- همان، ج ۲، ص ۷۸

## ۲) مشخص کردن وضاع

یکی دیگر از محورهایی که ابن جوزی در بررسی احادیث، بدان توجه دارد، مشخص کردن وضاع است؛ بدین معنی که گاهی علاوه بر قدح رجال ضعیف در یک سند، دقیقاً مشخص می‌کند که چه کسی وضاع است؛ برای مثال، بعد از حدیثی می‌گوید: هذا حدیث موضوع و المتهم به یعقوب.<sup>۱۲۴</sup>

## ۳) انگیزه‌ی وضاع

سومین محور مورد توجه ابن جوزی انگیزه‌ی وضع است. او برای بیان انگیزه‌ی وضاع به دو گونه عمل می‌کند:

الف) تصریح می‌کند که انگیزه‌ی وضاع از وضع، چه بوده است و در این موارد از مضمون روایت به علت و انگیزه وضع رهنمون شده و استدلالش را بر محتوای حدیث استوار می‌سازد و این جدا از توجه به قدحی است که در مورد راوی آورده است؛ برای مثال در نقد حدیثی می‌گوید: «هذا حدیث موضوع؛ فلعن الله واضعه فإنه لم يعتصد إلا القدح فی الإسلام و الإستهزاء به.»<sup>۱۲۵</sup>

ب) در خلال قدح راوی از قول رجال شناس، انگیزه‌ی وضاع از عمل وضع را به صورتی ضمنی بیان می‌کند؛ برای مثال می‌گوید: ... و قال ابن حیان: كان [إسحاق] يضع على الثقات، لايحل كتب حديثه إلا على

۱۲۵- همان، ص ۳۹۵، ح ۹۶۹

۱۲۶- همان، ج ۳، ص ۲۷، ح ۵۵۵

## اصلاح و اختصار الموضوعات

کتاب‌های متعددی به منظور مختصر کردن و اصلاح کتاب الموضوعات، نوشته شده است، از جمله:

- ۱- القول المسدد فی الذب عن المسند، نوشته‌ی ابن حجر عسقلانی: ابن حجر در این کتاب، ابن جوزی را به علت آوردن ۲۴ حدیث از مسند احمد بن حنبل مؤاخذه کرده است، زیرا به اعتقاد او حتی یک حدیث موضوع در مسند احمد یافت نمی‌شود.
- ۲- القول المسدد و ذیله علیه، نوشته‌ی سیوطی: این نوشته مستدرکی است بر کتاب قبلی و در آن ۱۴ حدیث دیگر که هم در الموضوعات ابن جوزی و هم در مسند احمد بن حنبل آمده یافت می‌شود.
- ۳- القول الحسن فی الذب عن السنن، نوشته‌ی سیوطی: سیوطی در این کتاب مطالب کتاب «القول المسدد» و ذیل آن را جمع کرده و احادیثی دیگر بر آن افزوده است. احادیث این کتاب بالغ بر یکصد و بیست حدیث غیر موضوع است.<sup>۱۲۷</sup>
- ۴- اللآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة، نوشته‌ی سیوطی: خلاصه‌ای از کتاب الموضوعات<sup>۱۲۸</sup>، به همراه اضافاتی از برخی

۱۲۷- همان، ج ۲، ص ۶۰، ح ۵۸۷

۱۲۸- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۳

۱۲۹- کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۳۴

کتاب‌های حدیثی، مثل: تاریخ ابن عساکر و ابن نجار و مسند فردوس دیلمی.<sup>۱۲۹</sup>

۵- تعلیقه شیخ ابوالحسن السنذی:

۳۴- حدیث ابن ماجه که در کتاب الموضوعات موجود است، در این کتاب جمع آوری و بررسی شده است تا ثابت گردد که این احادیث موضوع نیستند.<sup>۱۳۰</sup>

۶- تنزیه الشریعة المرفوعة من الأحادیث الشنیعة الموضوعة، از شیخ ابوالحسن علی بن محمد عراقی کنانی:<sup>۱۳۱</sup>

کتابی جامع و مشتمل بر اختصار الموضوعات ابن جوزی و زیادات آن از اللالی المصنوعه سیوطی و ذیل آن و کتاب النکت البدیعات و التعقیبات علی الموضوعات به همراه اضافاتی از خود مؤلف.<sup>۱۳۲</sup>

۷- المار المنیف فی الصحیح و الضعیف، از امام شمس‌الدین ابن قیّم:

در واقع این کتاب خلاصه‌ی الموضوعات ابن جوزی است، اما نویسنده‌ی آن به این مسئله اشاره‌ای ندارد. به هر حال با مقابله‌ی آن با کتاب الموضوعات، این نکته به وضوح مشهود است.

### ارزیابی کتاب

کتاب الموضوعات ابن جوزی، مشهورترین کتاب در زمینه‌ی احادیث

۱۳۰- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱۳

۱۳۱- همان، ص ۱۱۴

۱۳۲- کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۹۴

۱۳۳- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱۴



موضوعه است<sup>۱۳۳</sup> و شکل‌گیری تدوین‌ها و کتب متعدد در جهت اصلاح، اختصار و تکمیل آن، نمایانگر محوریت این کتاب در بحث احادیث موضوعه است. این کتاب علاوه بر اثرگذاری در مبحث تعیین و برشمردن احادیث موضوعه، به سبب مشتمل بودن بر مبانی وضع‌شناسی و بحث‌های بنیادین پدیده‌ی وضع در باب‌های نخستین، مورد توجه و رجوع علما و محققین قرار گرفته است؛ اما به هر حال اشکالاتی متوجه این کتاب است؛ از جمله:

۱. در این کتاب، تعداد قابل توجهی از احادیث ضعیف<sup>۱۳۴</sup> و نه جعلی و حتی احادیث حسن و صحیح آمده است؛<sup>۱۳۵</sup>

۲. احادیثی از کتب معتبر، در این کتاب جعلی شمرده شده و به نظر اهل سنت - که معتقد به صحیح بودن کل احادیث موجود در صحیحین هستند وجود یک حدیث از صحیح بخاری و نیز یک حدیث از صحیح مسلم در الموضوعات از اشتباهات بزرگ این جوزی محسوب می‌شود؛<sup>۱۳۶</sup>

۳. ابن جوزی در این کتاب، به جرح‌های موجود در کتب رجالی، بدون عنایت به تعدیل‌های بیان شده توجه کرده است؛<sup>۱۳۷</sup>

۱۳۴- علم الحدیث، کاظم مدیرشانه‌چی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱، چاپ شانزدهم،

ص ۱۴۹

۱۳۵- معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، ج ۱، ص ۱۰۷۷

۱۳۶- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۱۷

۱۳۷- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۲۱۹

۱۳۸- الموضوعات، ج ۱، ص ۱۲۰

۴. در این کتاب تمام احادیث موضوعه آورده نشده و بخش وسیعی از آن‌ها فرو نهاده شده است؛<sup>۱۳۸</sup>

به نظر محققان معاصر، بیشتر اشتباهات موجود در الموضوعات، ناشی از اقتباس بیش از اندازه‌ی ابن جوزی از کتاب الأباطیل جوزقانی است و به علاوه، گویا ابن جوزی بعد از اتمام تألیف، همچون سایر آثار به بازنگری آن اهتمام نورزیده است.

### کتاب‌نامه:

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن؛ تلبیس إبلیس، بیروت، مؤسسة الکتب التفافیة ۱۴۱۴هـ.ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن؛ صید الخواطر، تحقیق: عبدالرحمن البر، ریاض، دار الیقین للنشر و التوزیع، ۱۴۱۳هـ.ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد بن جعفر؛ الموضوعات من الأحادیث المرفوعات، تحقیق: نورالدین شکری بن بویاجیلاود، ریاض، مکتبة اضواء السلف، ۴ ج، ۱۴۱۸هـ.ق.
۴. ابن سعد، طبقات المفسرین، للسيوطی، بیروت، دار ضادر، بی تا.
۵. ایلاس سرکیس، یوسف؛ معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، ۲ ج.
۶. جدیدی نژاد، محمدرضا؛ دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۱.
۷. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، بی جا، دار

- التراث العربی، بی‌تا، ۴ ج.
۸. ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین، تذکره الحفاظ، بی‌جا، مکتبه الملکی، بی‌تا، ۳ ج.
۹. ذهبی، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: بشار عواز محیی هلال السرحان، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ هـ. ق، ۲۳ ج.
۱۰. الزرکلی، خیرالدین؛ الأعلام قاموس تراجم، بیروت، دار العلم للملایین، ۸ ج.
۱۱. عالم زاده، هادی؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف اسلامی، ۸ ج، ۱۳۶۳.
۱۲. العلوجی، عبدالحمید؛ مؤلفات ابن جوزی، بغداد، شركة دار الجمهور للنشر و الطبع، ۱۳۸۵ هـ. ق.
۱۳. فصل‌نامه‌ی علوم حدیث، سال چهارم، شماره‌ی دوم، تابستان ۷۸، ش ۱۲.
۱۴. فصل‌نامه‌ی علوم حدیث، سال پنجم، شماره‌ی چهارم، زمستان ۷۹، ش ۱۸.
۱۵. مدیر شانه‌چی، کاظم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱، چاپ شانزدهم.



پروفیسر شہناز گل شاہین پور  
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ